

بررسی جغرافیای طبیعی مدینه

یحیی جهانگیری*

علی اصغر کریم خانی*

چکیده

مدینه را باید شهر تاریخی اسلام نام نهاد. هرچند اسلام از مکه آغاز شد ولی این مدینه بود که به تاریخ اسلام هویت داد. تأثیر شهر مدینه بر تاریخ اسلام، ما را بر آن داشت که از تاریخ این شهر واکاوی دقیقی داشته باشیم. اساساً شناخت این شهر در تحریف زدایی و کشف حقایق تاریخی، کمک بسیار دارد؛ از این رو، در این پژوهش به شناخت محیط جغرافیایی این شهر؛ اعم از کوه‌ها، حرّه‌ها و وادی‌ها خواهیم پرداخت و بررسی خواهیم کرد که هر یک از اینها تا چه حد در انتخاب محل سکونت، جنگ‌ها و روابط اجتماعی و قبیله‌ای مردم حجاز مؤثر بوده است. کلید واژه‌ها: مدینه، جغرافیای طبیعی، کوه، حرّه، وادی

مقدمه

۱. تعریف جغرافیای طبیعی

تمامی پدیده‌های طبیعی که در قالب جغرافیا قرار می‌گیرد، در شاخه جغرافیای طبیعی مطرح می‌شوند؛ به عبارتی، کلیه پدیده‌هایی که به دست عوامل طبیعی ساخته می‌شوند و در اثر تأثیرات متقابل آنها به وجود می‌آیند و در حقیقت بستر فعالیت انسان در طبیعت را شکل می‌دهند، موضوعات جغرافیای طبیعی را به وجود می‌آورند (بدری‌فر، ۱۳۹۴ش، ص ۸)

*. دکترای مطالعات اسلامی، استاد دانشگاه مذاهب اسلامی، yahia.j.s@gmail.com

*. پژوهشگر پژوهشگاه عروة الوثقی، aliasqarkarimkhani@yahoo.com

۲. موقعیت جغرافیایی مدینه

شهر مدینه در شمال غربی جزیره‌العرب و شمال مکه مکرمه واقع شده و فاصله آن با شهر مکه ۴۲۵ کیلومتر است. مدینه بر خط طول ۳۹/۳۶ درجه و عرض ۲۴/۲۸ درجه واقع شده و از سطح دریا ۵۹۷ تا ۶۳۹ متر ارتفاع دارد. در دو جهت این شهر؛ یعنی شرق و غرب دشت گدازه یا همان حره‌ها^۱ واقع شده‌اند (قائدان، ۱۳۸۶ش، ص ۲۰۶).

۳. نام‌های مدینه

مدینه دارای نام‌های متعددی است که پیش و پس از اسلام بر آن اطلاق شده است و تاریخ‌نگاران آنها را ثبت کرده‌اند و مقالاتی نیز در این مورد نوشته‌اند (زمانی، شماره ۷، صص ۱۷۸-۱۵۸).

تعداد نام‌هایی که مورخان برای مدینه ثبت کرده‌اند، از چهل (ابن شبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۶۲) تا نود و چهار (سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۸) می‌رسد. برخی نیز مدعی اشاره به نام‌های مدینه در تورات شده‌اند (ابن شبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۶۲).

نام قبلی مدینه را «یثرب» گفته‌اند و یثرب را نام فردی از نوادگان حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام دانسته و او را «یثرب بن قانیه بن مهائیل...» خوانده‌اند. همچنان که معنای لغوی خاصی نیز برای آن گفته‌اند که عبارت از «لوم و فساد و عیب» است. به همین دلیل نوشته‌اند پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از ورود به آن، فرمودند: این کلمه به کار برده نشود و به جای آن، یثرب را «طابه» و «طیبه» نامیدند (زبیدی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۹۱).

در تعیین محدوده دقیق‌ی که پیش از اسلام این نام بر آن محدوده گفته می‌شد اختلاف وجود دارد که به سه قول می‌شود اشاره کرد:

یک؛ منطقه مدینه و اطراف آن

دو؛ محل شهر مدینه پس از شکل‌گیری نخستین آن در عصر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سه؛ بخش شمال غربی مدینه

۱. حره به معنای سنگلاخ است که این زمینها به علت وجود سنگها و صخره‌های بزرگ غیر قابل نفوذ بوده و همچون دژی طبیعی، مدینه را در محاصره خود گرفته است (ابن منظور، لسان العرب، ماده حره).

گفتنی است مدینه پیش از اسلام، حالت متمرکز و بافت شهری نداشت و به شکل مجتمع‌هایی بود با فاصله‌های خاص و تقریباً دور از هم. برای ترسیم بهتر موقعیت این مکان در آن عصر، باید آن را بسان روستاهای متعدد و نزدیک به هم در زمان حاضر دانست. چنین احتمال می‌رود که میان این مجتمع‌های انسانی، بخشی که در شمال غرب منطقه قرار داشت، یثرب خوانده می‌شد و چه بسا بخش‌های دیگر، اسم مستقلی نداشتند و به نام قبیله خود خوانده می‌شدند. با گذشت زمان و شاید سال‌های نزدیک به هجرت پیامبر ﷺ، نوعی توسع در نام‌گذاری پدید آمد و محدوده‌ای شامل این منطقه و مناطق همجوار آن، یثرب نامیده شد (بنایی کاشی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۴۵۶).

از جمله نام‌های مدینه که در کتب تاریخی بیان شده عبارتند از: ارض الله، ائرب، ارض الهجرة، الایمان، البارة، البحرة، البحيرة، البلاط، البلد، تندر، الجبارة، الحرم، حرم الرسول، حسنة، الخيرة، الدار، الدرع الحصينة، ذات الحجر، ذات الحرار، ذات النحل، الشافية، طبابا، العاصمة، العذراء، القاصمة، قبة الاسلام، قرية الانصار، المدينة، مضجع الرسول، الناجية و... (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، صص ۲۰-۱۳).

مقیات

کوه‌های مدینه

یکی از دلایل اهمیت سخن گفتن از کوه‌های یثرب در جغرافیای طبیعی یثرب، آن است که حد و مرز یثرب را بر اساس روایت نبوی مشخص می‌سازد؛ از این رو، شناخت کوه‌های آن ضروری به نظر می‌رسد. کاربرد واژه کوه در این گفتار بر اساس ترجمه واژه جبل در منابع تاریخی که به زبان عربی سده‌های نخستین اسلامی نوشته شده، به کار رفته است؛ از این رو، نباید چنان فرض کرد که این کوه‌ها ارتفاع زیادی دارند، به عکس گاه از یک تپه کوچک فراتر نمی‌روند. کوه‌های زیادی را پیرامون یثرب نام برده‌اند که در تمامی جهات اطراف یثرب قابل مشاهده است. البته تعداد این کوه‌ها تا فاصله هشت کیلومتری شعاع حرم نبوی نسبتاً کم‌تر است اما در شعاع بیست و پنج کیلومتری آن، تعدادشان به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد. با محدود ساختن دایره مورد بررسی به حریمی که پیامبر برای یثرب تعیین کرده بود، چندین کوه اهمیت خواهد یافت (اسماعیلی، ۱۳۸۹ش، ص ۷۶).

۱. کوه اُحد

اُحد، نام رشته کوهی مشهور و مهم در شمال مدینه است که در فاصله پنج و نیم کیلومتری مسجدالنبی قرار دارد. این کوه بزرگ با شش تا هفت کیلومتر طول و یک تا سه کیلومتر عرض، رشته کوهی است که از شرق به غرب کشیده شده و ۱۹ کیلومتر مربع مساحت دارد. ارتفاع آن از سطح زمین ۳۰۰ متر و از سطح دریا ۱۰۰۰ متر است... (قائدان، ۱۳۸۶، ص ۳۰۷). این رشته کوه از سنگ‌های عظیم و قله‌های گوناگون کوچک و بزرگ شکل گرفته است. قله‌های آن به گونه‌ای جدا از هم و همانند خوشه انگورند که در نگاه بیننده مستقل به نظر می‌رسند. بیشتر صخره‌های این کوه به رنگ سرخ جلوه می‌کنند و صخره‌هایی به رنگ‌های دیگر نیز در آن دیده می‌شود (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۳۴).

در دوران قبل از اسلام به آن عُنُقْد^۱ می‌گفتند (ابن شبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۸۵). روشن نیست که آیا این تغییر نام در روزگار اسلام و به دست پیامبر خدا ﷺ رخ داده است یا نه؟! علت نام‌گذاری این کوه به «اُحد» را جدا بودن آن از دیگر کوه‌ها یا حمایت و یاری کردن مردم مدینه از توحید دانسته‌اند (سهیلی، ۱۹۶۷م، ج ۲، صص ۱۲۷-۱۲۶؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۲م، صص ۱۱-۱۰، دفتردار، ۱۳۹۰ق، ص ۷۳).

به کوه اُحد «ذوعینین» نیز می‌گویند. در دامنه این کوه و در بخش ورودی درّه اُحد، کوه کوچک عینین قرار دارد؛ همان کوهی که در غزوه اُحد، پیامبر خدا تیراندازان را روی آن مستقر کرد تا از آن محافظت کنند و مانع حمله دشمن شوند (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۰؛ فاسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۹۰).

شهر مدینه میان تپه‌ها و کوه‌های کم ارتفاع و پراکنده و کشتزارها و نخلستان‌های گوناگون قرار دارد و از سه جهت پیرامون آن را موانع طبیعی فراگرفته‌اند. حرّه شرقی و حرّه غربی در شرق و غرب، و نخلستان در جنوب آن قرار دارند. (قاضی خانی، «کوه اُحد»، دانشنامه پایگاه اطلاع رسانی حج) بدین سان، نیروی نظامی مهاجم تنها از شمال می‌تواند به شهر مدینه وارد شود.

۱. عنقُد، به ضم عین وقاف وسکون نون، به معنای خوشه است مانند خوشه انگور یا خرما.

این موانع طبیعی به لحاظ نظامی شهر را به صورت یک قیف ناصاف در آورده‌اند. از این روی، نیروی مهاجم از هر سو به سمت مدینه بیاید، ناگزیر باید از شمال شهر و از سمت شمال غربی کوه احد و سپس کناره دامنه جنوبی آن وارد شهر شود. کوه احد در سمت شمال شرقی و در طرف دهانه تنگ این قیف، با مقداری فاصله از شهر قرار دارد. شیب دره‌ها و وادی‌های منطقه نیز به همین سمت است و چند وادی؛ مانند عقیق، بطحان و مهزور که از درون و اطراف شهر می‌گذرند، به تدریج به یکدیگر می‌پیوندند و از جنوب این کوه به سمت شمال غرب آن و از نزدیک کوه عینین در دامنه آن ادامه می‌یابند و به پشت احد به سوی دریای سرخ می‌روند (جعفریان، ۱۳۸۶ش، ص ۳۶۱).

از همین رو، احد همچون دیواری در برابر کسانی است که از سمت شام قصد ورود به مدینه را دارند و همین سبب می‌شود که آنان نتوانند به صورت مستقیم وارد شهر شوند؛ بلکه باید از سمت شمال غربی کوه و از کرانه وادی‌ها به آن وارد گردند (قاضی خانی، الله اکبری، «کوه احد»، دانشنامه پایگاه اطلاع رسانی حج).

مسجد احد مسجد کوچکی است که در پایین دامنه کوه احد قرار دارد و این مسجد با غار کوه احد حدود ۲۰۰ متر فاصله دارد. پیامبر خدا ﷺ بعد از اتمام جنگ احد، نماز ظهر و عصر خود را در این مسجد کوچک خوانده است (عباسی، بی تا، ص ۱۸۴؛ ابن شبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۷). قبر حمزه سید الشهداء نیز در دامنه کوه احد واقع شده است که البته در سال ۴۹ هجری که سیل عظیمی در آن منطقه راه افتاد و قبر ایشان مکشوف شد به این منطقه منتقل گردید.

۲. کوه ثور

ثور نام کوهی کوچک است که نزدیک کوه احد در شمال مدینه واقع شده و در فاصله هشت کیلومتری حریم شریف نبوی قرار دارد. شباهت شکل این کوه با گاو نر، دلیل این نام گذاری دانسته شده است. این کوه کم‌ارتفاع و تپه‌مانند، زمینی به شعاع ۲۵۰ متر را در بر گرفته است. کوه ثور از سمت جنوب و غرب به دامنه‌های کوه احد متصل است، ولی رنگ و شکلی متمایز دارد. کوه‌های عیر در شمال آن قرار واقع است.

به جهت شکل طبیعی آن، غار و چشمه های طبیعی در آن وجود ندارد و هنگام ریزش باران، آب شتابان از همه سوی آن به سوی پایین جاری می شود. در مجاورت دامنه جنوبی آن و نزدیک کوه احد، چراگاه هایی وجود دارد که آب آن از بارش های جاری شده بر این کوه و نیز کوه احد تأمین می شود (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، صص ۸۰- ۷۷؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، صص ۲۲۹- ۲۱۸) بر پایه حدیثی که از پیامبر ﷺ نقل شده، میان کوه های غیر در جنوب و ثور در شمال، حرم مدینه دانسته شده است (قاضی نعمان، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۲۹۵؛ ثقفی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۶۶۰).

برخی از تاریخ نگاران در گذشته، به دلیل عدم شناخت از منطقه، وجود کوهی به این نام را در مدینه منکر شده و نام آن در روایت یاد شده را، برآمده از تصحیف دانسته اند. بعضی لفظ ثور در روایت را به کوه ثور در مکه تطبیق داده و منظور از حدیث را الحاق شهر مدینه به مکه به جهت حرم بودن دانسته اند (خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۲۳). گروهی دیگر ویژگی های جغرافیایی کوه یاد شده در حدیث را بر کوهی به نام تیاب یا خزان در شش کیلومتری مسجد نبوی تطبیق کرده اند و باور دارند که کوه ثور در جایی دیگر در مسیر مزارع الخلیل در جهت شمالی مدینه قرار دارد (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۱۱).

نویسندگانی چون فیروزآبادی (فیروزآبادی، ۲۰۰۲م، ص ۸۲) و ابن حجر عسقلانی (عسقلانی، ۱۴۲۴ق، ص ۸۲) موقعیت این کوه را در مدینه پذیرفته اند. مدینه شناسانی چون مطری (مطری، ۱۴۲۴ق، ص ۶۸) و سمهودی (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۹۲) به وجود کوهی بدین نام در مدینه تصریح کرده اند.

۳. کوه عینین (جبل الرماة)

کوه عینین یا جبل الرماة یکی از کوه های مشهور در مدینه است. طول این کوه کوچک و سرخ رنگ ۱۵۰ متر و عرض آن ۴۰ متر می باشد (خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۲۰؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۴) و قسمتی از غزوه مشهور احد در سال سوم هجری بر روی این کوه واقع شده است. و فاصله آن تا مسجد نبوی تقریباً پنج کیلومتر است (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۳۲). نامگذاری این کوه به «عینین»؛ «دو چشمه»، از آن روست که

در کنار آن، وادی قنات و «عین الشهدا» قرار داشته است (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۱۹؛ ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۶۵).

در جنگ احد این تپه نقش مهم و مؤثری به عنوان یک گذرگاه استراتژیک ایفا کرده است. پیامبر ﷺ با توجه به اهمیت آن موضع، برای این که نیروهای دشمن از پشت سر به سپاه اسلام هجوم نیاورند، تعداد پنجاه نفر از تیراندازان را به فرماندهی عبدالله بن جبیر بر این کوه گماشت تا از تنگه محافظت کنند، لذا به سبب استقرار این نیروها، تپه یاد شده به جبل الرماة معروف شد (بکری، بی تا، ج ۳، ص ۹۸۷؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۹۰؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۲۲۸).

۴. کوه تیاب

کوه تیاب کوه کوچکی است که در شرق کوه احد و در شمال شرقی مدینه واقع شده است و نام‌های دیگری نیز چون ثیبا و تیبا و ثیب به آن اطلاق شده است (خطرآوی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۵، شنقیطی، ۱۹۹۲م، ص ۲۰۲) که البته نام معروف امروزه آن نیز «الخرزان» است. این نامگذاری به جهت آب انبار و خزانه‌هایی است که در اطراف آن کوه ساخته شده است. این کوه در فاصله شش کیلومتری حرم شریف نبوی و در سیصد و چهل متری کوه احد واقع شده است. طول این کوه کوچک دویست و شصت متر و عرض آن تقریباً صد و شصت متر می‌باشد (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۶۱).

۵. کوه الرایه (ذباب)

کوه ذباب که امروزه به کوه الرایه معروف است، در شرق کوه سلع (مساجد سبعة) است و بر فراز آن مسجد الرایه یا مسجد ذباب قرار دارد (فیروزآبادی، ۲۰۰۲م، ص ۱۴۶؛ عباسی، بی تا، ص ۳۲۰) علت نام گذاری این کوه به ذباب آن است که ذباب نام پرنده یا قسمت برنده شمشیر است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۰۶) و در بعضی از کتب به معنی زنبور عسل نیز آمده است (راغب اصفهانی، بی تا، ص ۳۲۵). بعضی گویند نام کسی است که در دوران اموی در کنار این کوه گردن زده شده است (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۶۶).

۶. کوه سلیع

کوه سلیع یا کوهی که در گذشته به نام جُهینه معروف بوده، نزدیکترین کوه به حرم شریف نبوی، با فاصله پانصد متر است. کوه سلیع در شمال غربی مسجد النبی واقع شده است و در زمان پیامبر خدا ﷺ بنی اسلم از مهاجرین در آن سکونت داشتند و بعد از آن، قبیله بنی جهینه در آن سکنی گزیدند؛ لذا به همین نام یعنی جهینه نام گذاری شد.

نام دیگر این کوه عثث است (ابن شبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۶۵، ابن عبد الحق، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۷۳۲، سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۲، ص ۲۶۶).

شکل این کوه بیضی است و طول آن چهل و پنج متر و عرض آن از بیست و دو متر تا سی متر است (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۳۳).

۷. کوه سلع (ثواب)

این کوه، یکی از کوه‌های مهم و استراتژیک شمال مدینه است که در سال پنجم هجری شاهد یکی از جنگ‌های پیروزی آفرین سپاه اسلام بوده و نبرد بزرگ احزاب یا خندق در دامنه این کوه رخ داده است. کوه سلع به عنوان یک استحکام طبیعی پشت سر سپاه اسلام قرار گرفته و خندق نیز در مقابل دشمن حفر گردید (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۴۵؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۰؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۴۱؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۲۵).

این کوه در پانصد متری شمال غربی مسجد النبی واقع شده است. طول تقریبی این کوه هزار متر و عرض آن از صد و پنجاه تا هشتصد و پنجاه متر و ارتفاع آن هشتاد متر است (کعکی، عبد العزیز، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۰۰).

در صخره‌های غربی آن غار و مسجد بنی حرام از طایفه خزرجی بنی سلمه بود که آثار مسجد از بین رفته است ولی غار یا کهف بنی حرام امروزه همچنان موجود است (مطری، ۱۴۲۶ق، ص ۶۱، اسکندری، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۶۳، مرجانی، ۲۰۰۲، ج ۱، ص ۳۲۲، سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۱۶۱)

۸. کوه عیر

کوه عیر کوه بزرگی است که در جنوب مدینه و در شرق وادی عقیق، نزدیک مسجد شجره است. طول این کوه پنج و نیم کیلومتر و عرض آن از یک و نیم تا سه کیلومتر و نیم و ارتفاع آن سیصد متر از سطح دریاست (کعکی، عبدالعزیز، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۵۵)

این کوه حد حرم مدینه است؛ چنانکه پیامبر ﷺ فرمود: «الْمَدِينَةُ حَرَمٌ مَا بَيْنَ عَيْرٍ إِلَى ثَوْرٍ». حرم مدینه بین کوه عیر و کوه ثور است (قاضی نعمان، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۲۹۵؛ بیهقی، احمد، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۲۲۷؛ حموی، یاقوت، ۱۹۹۵، ج ۲، ص ۸۷).

عیر در لغت به معنی خر چموش و وحشی است (فیروز آبادی، بی تا، ص ۵۷۴) چنانکه نقل شده است این خر متعلق به مویلع کافر بوده که خداوند بر قنات یا ملک او آتشی زده و آن را سوزانده است. در حقیقت وی مورد غضب الهی قرار گرفته است (اسکندری، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۴، حازمی، بی تا، ص ۱۶۹، حموی، یاقوت، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۱۷۲).

مردم حجاز دو کوه به نام عیر می‌شناسند؛ یکی عیر الصادر که بر روی کوه اول است و دیگری عیر الوارد (کوه اول) که نزدیک یکدیگر بوده‌اند (ابن عبدالحق، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۹۷۴؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۵۱؛ سمهودی، علی، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۷۸).

۹. کوه‌های جماوات

کوه‌های جماوات سه کوه کوچک از کوه‌های مدینه هستند که در غرب مدینه و در امتداد وادی عقیق واقع شده‌اند (خیاری، احمد، ۱۴۱۹ق، ص ۳۲۸) جماوات جمع جمّاء است. به عمارت یا دژی که کنگره نداشته باشد «أَجَمٌ» می‌گویند و مؤنث آن «جمّاء» است. عبارت «شاة جمّاء» (گوسفند بی شاخ) (عباسی، بی تا، ص ۳۸۹) نیز از همین معنا گرفته شده است (فیروز آبادی، ۲۰۰۲، ص ۹۰). در علت نام گذاری این کوه‌ها به جماوات، گفته‌اند که اینها کوتاه‌ترین کوه‌های مدینه هستند؛ لذا آنها را تشبیه به گوسفند بدون شاخ می‌کنند که جمّاء نام دارد (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۴، ص ۵۰).

در جنوب غربی مدینه سه جمّاء وجود دارد که نزدیک یکدیگر و در مجاور هم هستند؛ یکی «جمّاء تُضارِع»، دیگری «جمّاء عاقر» یا عاقل و سومی «جمّاء أم خالد» است (حازمی، بی تا ص ۶۵، اسکندری، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۳۰۴).

۹-۱. جماء تضارع

همان کوهی است که هرگاه کسی از مدینه - از راه بدر که از باب العنبریه و سپس وادی عروه می‌گذرد - به سمت مکه حرکت کند در سمت راست او می‌افتد و سمت چپش چاه عروه قرار می‌گیرد. (ابن فقیه، ۱۴۱۶ق، ص ۸۲، حموی، ۱۹۹۵م، ج ۲، ص ۷۵؛ سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۳، ص ۱۹۳). فاصله این کوه با حرم شریف نبوی چهار و نیم کیلومتر است. شکل تقریبی این کوه مانند مستطیل است که طول آن چهار کیلومتر و عرض آن، از یک کیلومتر تا یک کیلومتر و هفتصد متر می‌باشد (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۸۵).

۹-۲. جماء أمّ خالد

جماء أمّ خالد از سمت شمال به جماء تضارع چسبیده و به این جهت آن را جبل وسطی می‌گویند که بین جبل عاقر و جبل تضارع قرار گرفته است. برخی قائلند این کوه در گذشته و حال به وسطی معروف است (عیاشی، ۱۹۷۲م، ص ۴۸۶). فاصله این کوه با حرم شریف نبوی شش کیلومتر است، شکل این کوه مانند دایره است و قطر آن تقریباً یک کیلومتر و چهارصد متر است (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۹۶).

گفته شده که قرن‌ها پیش در بالای این کوه قبری پیدا شد که مساحت آن چهل ذراع است و سنگ نوشته‌ای روی آن قبر بوده که در مورد نوشته روی آن اختلاف است؛ یکی از آن اقوال این است: «أنا عبد الله الأسود رسول رسول الله عیسی بن مریم إلی أهل قری عرینة، و قالوا: نحن کنا أهل هذه القرية فی أس الدهر»، و قول دیگر: «أنا عبد الله رسول رسول الله - صَلَّى الله علیه [وآله] و سلم - سلیمان بن داود إلی أهل یثرب، و أنا یومئذ علی الشمال» (فیروز آبادی، ۲۰۰۲م، ص ۹۰).

البته این سنگ نوشته‌ها امروزه وجود ندارد و به مرور زمان از میان رفته و یا وقتی برای خوانده شدن فرستاده شده (چنانکه برخی قائلند اهل یمن آن را قرائت کردند) دیگر برگشت داده نشده است (الشنطیقی، ۱۹۹۲م، ص ۲۴۶؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۹۵).

۹-۳. جماء عاقر

جماء عاقر که به نام‌های العاقر (با الف لام) و العاقل نیز گفته شده است (ابن شبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۴۹؛ ابن فقیه، ۱۴۱۶ق، ص ۸۳، سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۳، ص ۲۰۵، خیاری، ۱۴۱۹، ص ۳۳۰)

این جماء در غرب مدینه و دورترین جماء به آن و در هفت کیلومتری حرم شریف نبوی واقع شده است. این کوه با جماء ام خالد پانصد متر فاصله دارد و شکل طبیعی این کوه مانند دایره است که قطر آن تقریباً دو کیلومتر است. جماء عاقر محل ساماندهی و آمادگی لشکریان قریش برای جنگ با پیامبر خدا در جنگ احد و خندق بوده است (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، صص ۴۰۳-۴۰۰).

۱۰. کوة الحرم (جبل الاحمر)

کوة الحرم در واقع یک کوه نیست بلکه سه کوه نزدیک به هم است و به سبب اینکه از سنگهای آن در تجدید بنای حرم شریف نبوی استفاده شده، به الحرم معروف است. البته نام دیگر آن الاحمر است که به علت رنگ قرمز، بر این کوه اطلاق می‌گردد.

کوة الحرم اکبر در جهت جنوب غربی مدینه و در فاصله ده کیلومتری حرم شریف نبوی قرار دارد و کوة الحرم دوم در شرق کوة الحرم اکبر با فاصله صد متر واقع است و کوه کوچکی است که ارتفاع کمی دارد به شکل دایره است و کوه سوم ارتفاع متوسطی دارد و در فاصله یک و نیم کیلومتری کوه اول قرار دارد و این کوه در دورترین نقطه جنوب غربی مدینه؛ یعنی در فاصله یازده کیلومتری آن است (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۰۹).

• وادی‌های مدینه

اگر دو موقعیت جغرافیایی را در مدینه مهم‌ترین ویژگی طبیعی این شهر بدانیم، یکی وجود سه حره در جنوب، غرب و شرق این شهر است و دیگری وجود سه وادی است که آب‌های پراکنده و اندک را به مسیرهای مشخصی سوق می‌دهد و جهت استفاده مردم و قبایلی که در هر نقطه به امید آب و کشت زندگی می‌کنند، می‌رساند. آب شهر مدینه در چندین وادی معروف جاری است که البته نه دائمی بلکه موقتی است و با این حال، آن اندازه هست که بتوان به امیدش به کشت و زرع پرداخت.

بهترین منطقه مدینه بخش جنوبی آن در امتداد میان شرق و غرب شهر است که به نام‌های عوالی، قبا و عصبه شهرت دارد و از پرجمعیت‌ترین مناطق منطقه به شمار می‌آید. در این بخش آب به مقدار فراوان یافت شده و مزارع متعددی در آن تا به امروز وجود

دارد و نیز شبکه‌ای از بهترین وادی‌ها برای کنترل آب‌ها موجود است؛ مانند «وادی مَهزور» از شرق، وادی «مُذَیْب» از جنوب شرقی، وادی «رانوناء» از جنوب و بخشی از وادی «بطحان» که در مسیرش به شمال غرب به این وادی‌ها می‌پیوندد. از این‌رو، تردیدی وجود ندارد که این وادی‌ها و چاه‌ها در سمت عوالی، قبا و عصبه، از مهم‌ترین عوامل در تمرکز جمعیت در آن نواحی و پرداختن آنان به کشاورزی در شکل گسترده بوده است. اثر دیگر این وادی‌ها آن است که آب‌های زیرزمینی را در سطحی وسیع تقویت می‌کند و با کندن چاه می‌توان از آن آب به خوبی استفاده کرد. آب و وادی و چاه و چشمه، از مهم‌ترین مفاهیم زندگی در میان عرب مدینه و اصولاً جزیره العرب بوده و مناطق مختلف را اغلب با همین عناوین، نامگذاری می‌کرده‌اند (جعفریان، رسول، ۱۳۸۶ش، ص ۱۷۹).

۱. وادی عقیق (الوادی المبارک)

وادی عقیق یکی از مهمترین وادی‌های مدینه و زیباترین آنهاست و در نزد مردم مدینه دارای جایگاه بزرگی است؛ به طوری که به آن وادی مبارک می‌گویند. این وادی از سمت جنوب و از غرب کوه عیر وارد حوزهٔ یثرب می‌شود، سپس با پیچش خود به سمت شرق، وارد حوزهٔ یثرب شده و در غرب آن از کنار کوه‌های جماوات و از سمت راست آنها گذشته و مسیر خود را به سمت شمال ادامه می‌دهد؛ به طور کلی می‌توان این وادی را یک وادی جنوبی - شمالی دانست که در غرب حوزهٔ یثرب جریان دارد (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۶۸).

دربارهٔ نام‌گذاری این وادی به «عقیق»، مورخان دو احتمال داده‌اند که یکی معنای لغوی آن، که به معنای شکاف در زمین است و این وادی را عقیق گفته‌اند چون شکاف طبیعی در زمین است و آب در آن جریان دارد و احتمال دیگر آن که به خاطر رنگ آن که شبیه رنگ عقیق معروف است به این اسم نام‌گذاری شده است (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، صص ۵۳۵-۵۳۲).

این وادی به سه بخش صغیر، کبیر و اکبر تقسیم شده است (یعقوبی، ۱۴۳۳ق، ص ۱۵۱؛ سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۳، ص ۱۸۷) قسمت اکبر آن در اختیار حضرت علی بوده

است که ۲۳ چاه در آن حفر کرده بودند. این چاه‌ها در منطقه مسجد شجره کنونی قرار داشته و به همین جهت هنوز مسجد شجره به مسجد ایبار یا آبار علی معروف است. پیامبر خدا به وادی عقیق عنایت ویژه‌ای داشتند و آن را وادی مبارک نامیدند، واحادیتی در این زمینه از آن حضرت نقل شده است؛ یکی از احادیث که از پیامبر ﷺ درباره جایگاه این وادی نقل شده است این روایت است که فرمودند: جبرئیل در شبی نازل شد و از جانب خداوند فرمود: در این وادی مبارک نماز بخوان (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۱۴؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۳۳).

این وادی ابتدا توسط پیامبر خدا به عنوان اقطاع به بلال بن حارث داده شد و بعد از آن به دست ابوبکر و عمر افتاد (حموی، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۱۳۹؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۴۲؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۳۶۳).

آب این وادی از طائف سرازیر شده و سپس از سمت غربی مدینه می‌گذرد. بنابراین، طولانی‌ترین وادی‌های حجاز است. به سبب آب این وادی، مناطق پیرامونی آن حاصل خیز و دارای آب و هوایی خوب هستند (الیاس، بی‌تا، ص ۱۲۰). در کنار این وادی، قصرهای زیادی ساخته شده که بقایای برخی از آنها؛ از جمله قصر سعید بن عاص و قلعه عروه بن زبیر تا این اواخر وجود داشته است (حسینی مدنی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۹؛ جعفریان، ۱۳۸۶ش، ص ۱۸۰).

۲. وادی بطحان (سیل ابوجیده)

از وادی‌های معروف در مدینه وادی بطحان (حموی، ۱۹۹۵م، ج ۱، ص ۴۴۶) است که به وادی ابوجیده نیز مشهور است (فیروز آبادی، ۲۰۰۲م، ص ۴۵۴؛ کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۶۰۶) بطحان در لغت به معنای آن زمین فراخ و سیل‌گیر (فراهیدی، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۱۷۴) است. درباره علت نام‌گذاری این وادی به بطحان، غیر از معنای لغوی، دلیل دیگری یافت نشده است (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۶۰۸).

طول این وادی حدود ۴ کیلومتر و ۲۵۰ متر است و بیشترین عرض آن در مسیر به ۴۰ متر می‌رسد و کمترین عرض آن حدود ده متر است (فاروق، ۱۹۷۹م، ص ۶۰).

آغاز این وادی از نزدیکی الماجشونیه و پایان آن نزدیک مسجد فتح یا مساجد سبعة بوده که وادی رانوان به آن می پیوسته است. از پیامبر ﷺ نقل شده است که فرمودند: بطحان بر که ای از بر که های بهشت است (ابن شبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۶۸).

۳. وادی قنّاء (سیل سیدنا حمزه)

وادی قنّاء از مهمترین و بزرگترین وادی های مدینه به شمار می آید. قنّاء در لغت به معنای کندن چاه و وصل کردن این چاه ها به یکدیگر است؛ به طوری که بعد از جریان آب در این چاه ها، آب به سطح زمین می رسد (عباسی، بی تا، ص ۳۳۹؛ کعکی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۶۳۵). این وادی بین مردم مدینه به «سیل سیدنا حمزة بن عبدالمطلب» معروف است و علت این نام گذاری را عبور کردن این وادی از منطقه سیدالشهدا که جنوب قبر حضرت حمزه است که در جنگ احد به شهادت رسید (کعکی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۶۳۴).

۴. وادی رانوان

وادی رانوان؛ چنانکه برخی آن را رانوان بدون الف و لام و برخی با الف و لام می خوانند از وادی های مشهور مدینه است که قبایل مدینه قدیم در این وادی منزل ساختند و در آن مزارع و نخیلات به پا کردند (کعکی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۶۳۴) وادی رانوان یکی از وادی های کوتاه حوزه یترب است که در مسیر خود از جنوب به شمال به موازات وادی عقیق که غربی ترین وادی یترب است و وادی بطحان در شرق خود حرکت می کند و با پیوستن به بطحان در مرکز حوزه یترب در جنوب مسجد غمامه، پایان می یابد. مسجد جمعه در بنی سالم^۱ که پیامبر نخستین نماز جمعه را در آن برگزار کردند، در میان این وادی قرار داشت (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۱۹۹).

۱. بنو سالم بن عوف در نزدیکی حرّه غربی، در غرب وادی رانوان ساکن شدند و مسجد جمعه یا عاتکه در آن قسمتی از وادی که غیب نامیده می شده، جای داشته است. (نجفی، مدینه شناسی، ج ۱، ص ۲۵).

۵. وادی مُذَیْنِب

وادی مُذَیْنِب، از وادی‌های مدینه است و اینکه این وادی را شعبه‌ای از وادی بطحان شمرده‌اند، به جهت اتحاد مصادر این دو وادی است. این وادی در مسیر خود از شرق به غرب در کانون حوزهٔ یثرب به بطحان می‌ریزد و به پایان می‌رسد. این وادی به داشتن آب زیاد و زرع زیاد معروف است (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۶۹۴ - ۶۹۳) چنانکه برخی از قبایل یهود؛ مانند بنی النضیر و برخی از قبایل عرب؛ مانند بنی امیه بن زید از اوس در این منطقه سکنی گزیدند (فیروزآبادی، ۲۰۰۲م، ص ۴۷۳، عباسی، بی‌تا، ص ۴۶).

۶. وادی مَهْزُور

وادی مهزور یکی از وادی‌های کوچکی است که در مسیر خود از جنوب شرقی به شمال غربی در حدود مرکز حوزهٔ یثرب به پایان می‌رسد و به مُذَیْنِب می‌ریزد تا اندکی بعد هر دو به بطحان پیوندند. سرچشمه‌های این وادی حرّه شوران در جنوب شرقی یثرب است که تقریباً ۲۵ تا ۴۰ کیلومتر تا حوزهٔ یثرب فاصله دارد (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، صص ۷۱۱ - ۷۰۹).

وادی مهزور از وادی‌های مهم در مدینه و مشهورترین آنهاست. و از وادی‌های حرّه جنوبی است که مورخان در کتاب‌هایشان به آن پرداخته‌اند و سکونت‌گاه قبایل قدیمی قبل از اسلام بوده است. مهزور به معنای زدن با عصا به پشت و پهلو است (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۷۰۴).

نام قدیمی این وادی، قبل از اسلام «قُرَیْظَه» بوده و این نامگذاری به خاطر ساکن شدن بنوقریظه در کنار این وادی بوده است. همچنین در برخی نقل‌های تاریخی به نام «وادی الغاوی» (فیروزآبادی، ۲۰۰۲م، ص ۴۷۲) آمده است، ولی با توجه به نام‌گذاری طولانی از آن زمان و فراموش شدن نام‌های قبلی، نام وادی مهزور تا به امروز به آن اطلاق می‌شود (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۷۰۵)؛ چنانکه اشاره شد بنوقریظه نخستین کسانی هستند که به این وادی آمده و ساکن شدند و در آن باغ و بوستان به پا کردند و چاه کردند و درخت کاشتند (ابن نجار، ۱۹۸۱م، ص ۱۴).



موقعیت وادی‌های مدینه

چون این منطقه در بالای مدینه قرار داشت، وقتی باران می‌آمد آب در آن منطقه باقی نمی‌ماند و به مدینه سرازیر می‌شد؛ لذا در زمان پیامبر ﷺ و اختلاف بر سر آب، ایشان فرمودند: در وادی مذینب و مهزور آب را به اندازه کعبین برای استفاده نخل‌ها نگه‌دارید و بعد از آن، آب را رها کنید تا به مناطق دیگر برسد. (ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۵۷، حمیری، ۱۹۸۴م، ص ۵۶۰).

حَرّه‌های مدینه

مهم‌ترین نکته در جغرافیای مدینه این است که این شهر در میان دو رشته حره واقع شده که یکی در شرق با نام «حَرّه واقم» و دیگری در غرب با نام «حَرّه وبره» است (جعفریان، ۱۳۸۶ش، ص ۱۷۵) در جنوب مدینه نیز، حَرّه جنوبی قرار دارد که به آن «حَرّه شوَران» نیز می‌گویند. این حره نیز بخش جنوب را از حَرّه شرقی تا غربی پوشانده و آنها را به یکدیگر متصل کرده است.

در این منطقه، گسل‌های فراوانی وجود دارد که گاه گدازه‌های آتش‌فشانی از آن فوران کرده و سطح زمین را به صورت گسترده و بدون آنکه به کوه‌زایی منتهی شود، می‌پوشاند. از آن‌جا که این گدازه‌ها پس از سرد شدن به رنگ تیره درمی‌آیند به سادگی قابل تمیز دادن از مناطق دیگر هستند؛ چنانکه امروزه نیز در عکس‌های ماهواره‌ای این مناطق تیره‌رنگ هستند.

در نام‌شناسی‌های فولکلور چنین گفته‌اند که عرب به این سنگ‌ها که گویا آتش آن‌ها را سوزانده (حرّ) حره گفته است. زمین‌های حره، انبوهی از سنگ‌های سخت سیاه‌رنگ و متخلخل است که زمینه زیست بشری و کشاورزی در آن فراهم نیست، هرچند حره‌ها در برابر نفوذ آب به لایه‌های زیرین زمین مقاوم‌اند ولی بارش باران در حرّه موجب انباشت آب در آن شده و به صورت چشمه یا سیلاب از آن خارج می‌شود و از این رو، برای ساکنان پیرامون حره اهمیت زیستی فراوان دارد (اسماعیلی، ۱۳۸۹ش، ص ۷۰).

حرّه یا آنچه که به اللابات معروف است عبارت است از منطقه سنگلاخی که دارای سنگ‌هایی سیاه و شبیه به سنگ‌های آتشفشان و داغ دارد (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۳۹)

۱. حره واقم

حره واقم در شرق مدینه واقع شده و حد آن از جهت غربی تا حره و بره است. این حره با توجه به منازل واقع شده در آن، در مدینه قدیم به پنج منطقه تقسیم می‌شود که دو منطقه برای یهود که یهودیان بنی نظیر و بنی قریظه زندگی می‌کنند و سه منطقه برای اوس که قبایل بنی عبدالاشهل و بنی ظفر و بنی زغور بن چشم بودند. این را حره بنی قریظه هم می‌گویند؛ زیرا بنی قریظه در سمت قبله‌ای آن جای دارند (حموی، ۱۹۹۵، ج ۲، ص ۲۴۹، خیاری، ۱۴۱۹، ص ۳۳۳)

علت نام‌گذاری این حره به «واقم» آن است که واقم نام مردی از عمالقه^۱ بود و در این مکان فرود آمد. همچنین حره واقم همان حره‌ای است که واقعه حره در سال ۶۳ هجری به دستور یزید بن معاویه در این مکان واقع شد؛ چنانکه لشکر یزید به فرماندهی مسلم بن عقبه در حره واقم فرود آمدند و مردم مدینه در این وادی به جنگ با آنها پرداختند (حموی، ۱۹۹۵م، ج ۲، ص ۲۴۹؛ سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۴، ص ۵۸؛ خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۳۴).

۱. به فرزندان عملاق بن ارفخشد بن سام بن نوح، عمالیق گفته می‌شود که عده‌ای از آنان در سرزمین حجاز بوده‌اند.

۲. حره شوران (حره جنوبیه)

حره شوران در جنوب مدینه واقع شده و در نزد بیشتر مردم به حره شوران شناخته می‌شود. این حره بخش جنوب را از حره شرقی تا غربی پوشانده و آنها را به یکدیگر متصل کرده است. حره جنوبیه به دو قسم تقسیم می‌شود؛ جزء بزرگتر این حره به نام «حره معصم العلیا» است و جزء کوچکتر آن، که از حره‌های کوچک تشکیل شده و دارای نام‌های محلی هستند، حره میطان و حره العصبه هم از اجزاء این حره می‌باشند. درباره نام‌گذاری این حره به شوران فیروزآبادی احتمال داده است که از شرت الدابه مشتق شده است. شاید این حره محل آوردن حیوانات بوده باشد.

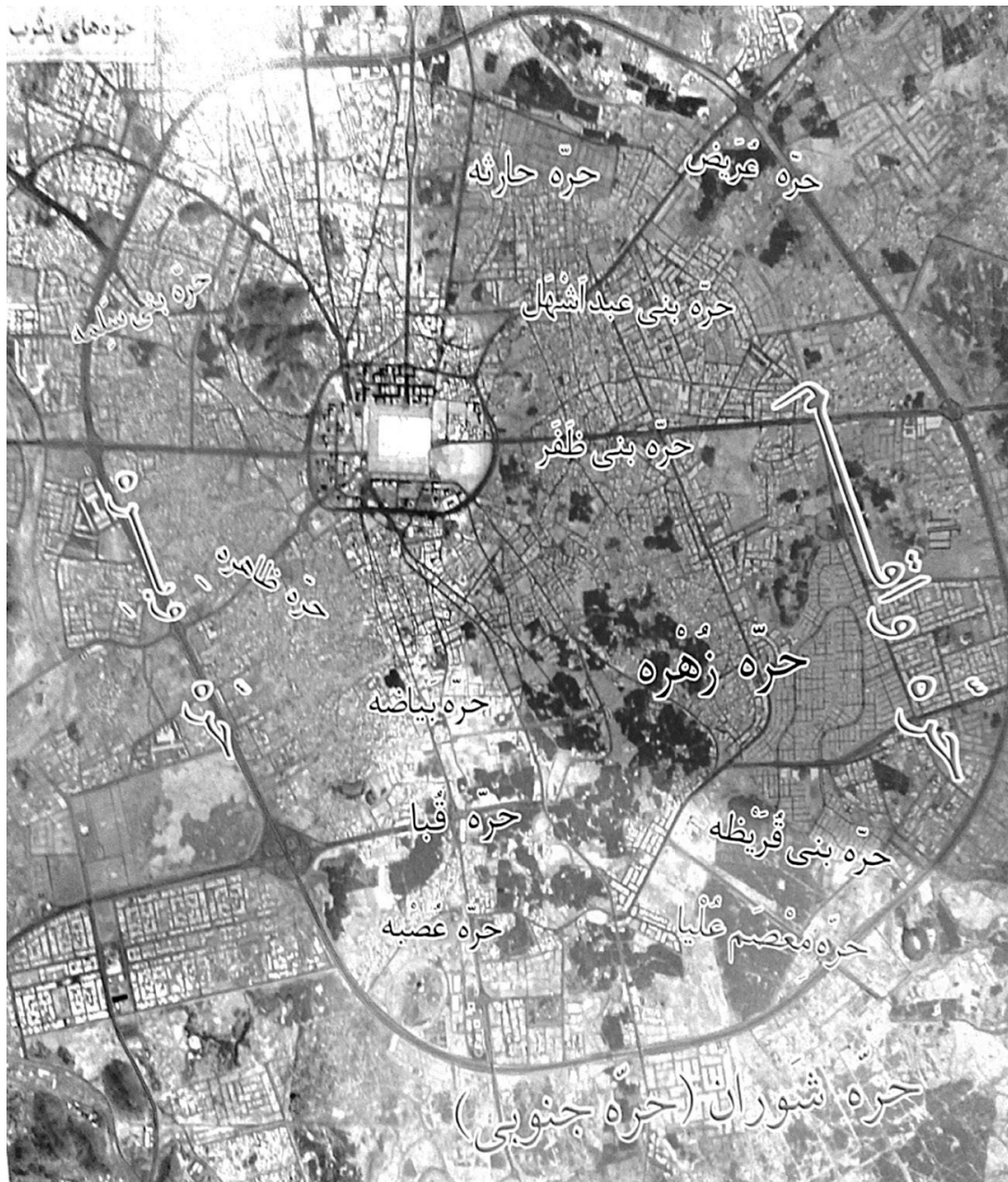
این حره دارای نباتات و محل طبیعی برای چراگاه حیوانات بوده است. همچنین بنی سلیم آنجا را محل سکونت برگزیده بودند. از پیامبر خدا درباره حره شوران وارد شده که فرمودند: «بارک الله فی شوران». حره شوران از پرگیا و پرآب‌ترین حره‌های مدینه است؛ لذا در آن، زراعت و دامداری وجود دارد و مزارع و بستانهای زیادی در آن وجود دارد (سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۴، ص ۱۰۲، کعکی، ۱۳۱۹، ج ۲، صص ۴۹۴-۴۹۶).

۳. حره الوبره (حره غربیه)

حره وبره یکی از حرّات مشهور مدینه است که در جهت غربی و سه میلی مدینه واقع شده است (فیروزآبادی، ۲۰۰۲، ص ۱۱۴) و قبایل وارد بر این حره از ثروت طبیعی و سنگهای آن برای ساختن بنا استفاده می‌کردند و در بین حره هم مزارع و باغ‌های خود را احداث کردند (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۷۴).

بنی قینقاع که از یهود بودند، در این مکان سکنی گزیدند و منازلشان محصور میان این حره و حره مشربه امّ ابراهیم از شرق بود (وکیل، ۱۹۸۹م، ص ۴۴).

همچنین بعضی از قبایل خزرج و بطون آنها مانند: بنی بیاضه و زریق دو فرزند عامر بن زریق، بنی کعب بن مالک و بنی حیب بن عبد حارثه بن مالک، بنی غزاره، که در وبره سکونت داشتند در این منطقه اقامت گزیده بودند (کعکی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۷۴).



حرّهای مدینه

منبع: اطلس تاریخ اسلام بنایی کاشی، ابوالفضل

١. ابن اثير، على، ١٤٠٩ق، اسد الغابه، دارالفكر، بيروت.
٢. ابن اثير، مبارك، ١٣٦٧ش، النهاية في غريب الحديث والاثر، موسسه مطبوعاتي اسماعيليان، قم، چهارم.
٣. ابن حجر عسقلاني، احمد، ١٤١٥ق، الاصابه، دارالكتب العلميه، بيروت، اول.
٤. ابن حجر عسقلاني، احمد، ١٤٢٤ق، فتح الباري، دارالمكتب العلميه، بيروت.
٥. ابن خلدون، عبدالرحمن، ١٤٠٨ق، تاريخ ابن خلدون، دارالفكر، بيروت، دوم.
٦. ابن شبه، عمر، ١٤١٠ق، تاريخ المدينة المنوره، دار الفكر، قم، اول.
٧. ابن عبد الحق بغدادى، صفى الدين، ١٤١٢ق، مرصد الاطلاع على اسماع الامكنة و البقاع، دارالجيل، بيروت، اول.
٨. ابن هشام، عبد الملك، السيرة النبويه، دار المعرفه، بيروت، بى تا.
٩. اسكندرى، نصر بن عبدالله، ١٤٢٥ق، الامكنه و المياه و الجبال و الآثار، مركز الملك فيصل للبحوث و الدراسات الاسلاميه، رياض، اول.
١٠. بدرى فر، منصور، ١٣٩٤ش، جغرافياى انساني ايران، انتشارات دانشگاه پیام نور، قم.
١١. بنايى كاشى، ابوالفضل، ١٣٩٢ش، اطلس تاريخ اسلام، اطلس تاريخ شيعه، قم، اول.
١٢. بيهقى، احمد، ١٤٠٥ق، دلائل النبوه، دارالكتب العلميه، بيروت، اول.
١٣. جعفرىان، رسول، ١٣٨٦ش، آثار اسلامى مكه و مدينه، انتشارات مشعر، قم.
١٤. حازمى، محمد بن موسى، بى تا، الاماكن و ما اتفق لفظه و افرق مسماه من الامكنه، بى تا، بى جا، اول.
١٥. حداد عادل، غلامعلى، ١٣٨٣ش، دانشنامه جهان اسلام، بنياد دائرة المعارف اسلامى، تهران.
١٦. حسيني مدنى، محمد، اول، ١٤١٧ق، الجواهر الثمينه فى محاسن المدينه، دار الكتب العلميه، بيروت.
١٧. حسينيان مقدم، حسين، ١٣٨٨ش، مناسبات مهاجرين و انصار، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، اول.
١٨. حموى، ياقوت، ١٩٩٥م، معجم البلدان، دار صادر، بيروت، اول.
١٩. حميرى، محمد، ١٩٨٤م، روض المعطار فى خبر الاقطار، مكتبة لبنان، بيروت.

٢٠. خليلي، جعفر، ١٤٠٧ق، موسعة العتبات المقدسه، مؤسسة اعلمى للمطبوعات، بيروت، دوم.
٢١. خيارى، احمد ياسين، ١٤١٩ق، تاريخ معالم المدينة المنوره قديماً و حديثاً، ناشر عامه، عربستان، اول.
٢٢. دفتر دار، محمد سعيد، ١٣٩٠ق، ذخاير المدينة المنورة فى اسمائها و فضائلها و اذعة زيارة آثارها الشريفة، مطبة الانصاف، بيروت.
٢٣. راغب اصفهاني، بى تا، مفردات الفاظ قرآن، دارالكتب العلميه، قم.
٢٤. زمانى، احمد، ١٣٧٣ش، فصلنامه «مىقات حج»، شماره ٧، حوزة نمايندگى ولى فقيه در امور حج و زيارت، قم.
٢٥. سمهودى، على، ٢٠٠٦م، وفاء الوفا بأخبار دارالمصطفى، دار الكتب العلميه، بيروت، اول.
٢٦. سهيلى، عبدالرحمان، ١٩٦٧م، الروض الانف فى شرح السيرة النبوية و معه السيرة النبويه، دارالنصر الطباعة، قاهره، اول.
٢٧. شنطيقى، محمد امين، ١٣٩٢ش، الدر الثمين فى معالم دارالرسول الامين، موسسه علوم قرآن، بيروت.
٢٨. عباسى، احمد، بى تا، عمدة الاخبار فى مدينة المختار، دوم، السعد درابزوئى، عربستان.
٢٩. على، صالح احمد، ١٣٧٥ش، حجاز در صدر اسلام، ترجمه آيتى، عبد الحميد، نشر مشعر، تهران، اول.
٣٠. عياشى، ابراهيم، ١٩٧٢م، المدينة بين الماضى و الحاضر، نشر المكتبة العلميه، مدينه.
٣١. فاروق، رجب، ١٩٧٩م، المدينة المنورة الاقتصادية المكان، نشر دار الشروق، جده، اول.
٣٢. فاسى، محمد، ١٤١٩ق، العقد الثمين فى تاريخ بلد الامين، دارالكتب العلميه، بيروت.
٣٣. فراهيدى، خليل بن احمد، ١٤٢٤ق، العين، دارالكتب العلميه، بيروت، دوم.
٣٤. فيروز آبادى، مجدالدين، ٢٠٠٢م، المغانم المطابه فى معالم طابه، اول، مركز بحوث و دراسات المدينة المنوره، مدينه.
٣٥. فيروز آبادى، مجدالدين، ١٤٠٢ق، قاموس المحيط، الميريه، مصر.
٣٦. فيومى، احمد، ١٤١٤ق، مصباح المنير فى غريب الشرح الكبير، مؤسسة دارالهجره، قم، دوم، ٢ جلد.

٣٧. قاضى نعمان، دعائم الإسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الاحكام، مؤسسة آل البيت، قم، دوم، ١٣٨٥ش.
٣٨. قائدان، اصغر، تاريخ و آثار اسلامى مکه و مدينه، نشر مشعر، تهران، ١٣٨٦ش.
٣٩. كعكى، عبد العزيز، معالم المدينة المنوره بين العماره و التاريخ، ناشر دار المكتبة الهلال، بيروت، ١٤١٩ق، اول، ٥ جلد.
٤٠. مرجانى، عبدالله، بهجة النفوس و الاسرار فى تاريخ دار هجرة النبى المختار، دارالعرب الانسانى، بيروت، اول، ٢٠٠٢م.
٤١. مطرى، محمد، التعريف بما انسب الهجرة من معامل دارالهجرة، تحقيق سليمان الرحيلى، دار الملك عبد العزيز، عربستان، ٢٠٠٥م.
٤٢. مقريزى، احمد، امتاع الاسماع، دارالكتب العلميه، بيروت، اول، ١٤٢٠ق.
٤٣. نجفى، محمد باقر، مدينه شناسى، شركت قلم، تهران، اول، ١٣٦٤ش.
٤٤. و كيل، محمد، يثرب قبل الاسلام، دارالمجتمع، جده، ١٩٨٩م.
٤٥. يعقوبى، احمد، تاريخ يعقوبى، دارصادر، بيروت، بى تا.
٤٦. يعقوبى، احمد بن اسحاق، البلدان، دارالكتب العلميه، بيروت، اول، ١٤٣٣ق.